

رابطه ی بین مولفه های خانواده و شیوه های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی

حسن زنگنه ابراهیمی^۱، حسین کارشکی^۲

^۱ کارشناسی ارشد روان شناسی تربیتی

^۲ عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

نام نویسنده مسئول:

حسن زنگنه ابراهیمی

چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی رابطه بین شیوه های مختلف فرزند پروری (اقتداری، استبدادی و سهل گیر) و مولفه های خانواده با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بود. بدین منظور نمونه ای به حجم ۲۰۰-نفر از بین دانش آموزان پسر پایه اول دبیرستان های نظری شهرستان خواف با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای انتخاب شدند. اطلاعات مورد نیاز با استفاده از ابزارهای اندازه گیری تحقیق شامل "پرسشنامه شیوه های فرزند پروری دینا بامریند (۱۹۷۱) و پرسشنامه محقق ساخته جمع آوری شد. اعتبار و روایی پرسشنامه های مذکور احراز شد.

نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه و تمیز نشان داد بین شیوه فرزند پروری اقتداری و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنی دار و بین دوشیوه دیگر (استبدادی و سهل گیر) با پیشرفت تحصیلی رابطه ای مشاهده نشد و همچنین بین دوتا از مولفه های خانواده (درآمد و تحصیلات والدین) و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنا دار و بین بقیه مولفه های خانواده و پیشرفت تحصیلی رابطه ای مشاهده نشد.

واژگان کلیدی: مولفه های خانواده، شیوه های فرزند پروری، پیشرفت تحصیلی

مقدمه

خانواده از نهادهای مهم و بنیادی جامعه است که نقش اساسی در زندگی فرد و جامعه دارد. اهمیت خانواده بعنوان یک نهاد اجتماعی مساله ای غیر قابل تردید است. اگر چه فرزند از جامعه و همسالان تاثیر می گیرد ولی بیشتر تحت تاثیر خانواده است. تاثیر خانواده در کودک و نقش های مهم آن در جنبه های سازندگی، فرهنگی، اجتماعی، اخلاقی و غیره بسیار مهم و عظیم است (قائمی، ۱۳۷۵).

تاثیر خانواده در رشد همه جانبه کودک از لحظه تولد آغاز شده و با قدرت و فراگیری خاصی آشکار می شود و در سراسر زندگی باقی می ماند. روابط صحیح و متعادل والدین و فرزندان یکی از عوامل موثر در سلامت و بهداشت روانی آنان است. تحقیقات نشان می دهند که در بین عوامل مختلفی که در پرورش و شخصیت سالم در کودکان و نوجوانان موثرند تاثیر متقابل کودک و والدین و نحوه برخورد و ارتباط والدین و کودک از مهمترین و بنیادی ترین عوامل محسوب می شود. (نوابی نژاد، ۱۳۷۰)

از طرف دیگر پیشرفت تحصیلی موضوعی است که بخصوص در حال حاضر مورد توجه تمامی کشورهای جهان است و هر ساله مقدار زیادی از بودجه جوامع صرف تحصیل کودکان و نوجوانان می شود. (قاجاریه، ۱۳۷۲). ارقام یونسکو نشان می دهد که مجموع هزینه های دولت ها برای آموزش و پرورش در کشورهای در حال توسعه از ۸ میلیارد در سال ۱۹۶۵ به بیش از ۹۲ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ افزایش یافته است. (برومند، ۱۳۷۸). زیرا پیشرفت تحصیلی دانش آموزان یکی از مهمترین و عینی ترین معیارها برای بررسی و ارزیابی کارایی و اثر بخشی نظامهای آموزش و پرورش است (مهر افروز، ۱۳۷۸). و تمام کوششها و تلاش های این نظام در واقع جامعه عمل پوشیدن بدین امر تلقی می شود. (شلویری، ۱۳۷۷).

همچنین پایگاه اجتماعی خاستگاه بسیاری از متغیرهای به هم وابسته ژنتیکی و اکتسابی است. از ویژگی های مشخص پایگاه اجتماعی می توان از تعلیم و تربیت و شغل والدین، هوش بهر رفتار کلامی آنها، در آمد خانواده، وضع بهداشتی، تجارب تربیتی، همسایگان و شرایط زندگی، نگرش های گوناگون در باب آموزش و پرورش، پیشرفت و امکان کنترل بر مقدرات و مانند اینها نام برد بررسی اثرات متنوع عوامل اجتماعی، اقتصادی در پیشرفت تحصیلی اهمیت فراوان دارد از مدتها قبل معلوم شده است که روند هوش بهر و موفقیت بچه ها با وضع اجتماعی خانواده هایشان تغییر می کند بسیاری از محققان دریافته اند که نمرات کودکان در آزمون های هوشی موجود به طور اساسی به شغل پدر، تعلیم و تربیت والدین و درآمد خانواده مرتبط و وابسته است (ماتارازو، ۱۹۷۳؛ به نقل از مهدی پور، ۱۳۸۶).

نخستین تحقیقات منظم و جدی در مورد رابطه شخصیت کودک با فضای روانی - تربیتی خانواده و نحوه رفتار والدین توسط پژوهشگرانی مانند (کازانین، سیچ و نایت) آغاز شد. (شاملو، ۱۳۷۵).

از جمله متغیرهایی که در ارتباط با شیوه های فرزند پروری مورد توجه و بررسی محققان و پژوهشگران روان شناسی و متخصصین تربیتی قرار گرفته است می توان به رشد اجتماعی (مهرابی، ۱۳۷۶)، سازگاری اجتماعی، عزت نفس و خود کنترلی (برک، به نقل از مارسل، ۱۹۹۷) نیز (حسینیان آقا ملکی، ۱۳۷۶)، بلوغ شخصیتی (لامبورن و همکاران ۱۹۹۴، به نقل از لیل آبادی، ۱۳۷۵)، انگیزش (پیزو، ۱۹۹۳، گلیسون و دیگران به نقل از شارون و همکاران ۱۹۹۷) خود تنظیمی (ملک مکان، ۱۳۷۸) و مکان کنترل، رشد اخلاقی، اضطراب و هوش (برندت، ۱۹۹۷) به نقل از مهر افروز (۱۳۷۸) اشاره نمود در همین رابطه نتایج تحقیقات دوبینس^۱ (۲۰۰۶)، برومند نسب (۱۳۷۳) مهر افروز (۱۳۷۸) و پور عبدلی و همکاران (۱۳۸۷) نشان می دهد والدینی که انتظارات درونی بیشتری از فرزند خود داشته و از نظر سطح پاسخگو بودن (گرمی، پذیرش و تعهد) و درخواست کنندگی (کنترل و نظارت) در سطح بالایی باشند و به شیوه اقتدار منطقی با فرزندان خود رفتار نمایند، فرزندان شان دارای کنترل درونی می شوند.

بر اساس نظریه بامریند (۱۹۹۱)، سبک های فرزند پروری به عنوان واسطه ی بین متغیرهای هنجاری آنان و جامعه پذیری فرزندان عمل می کند و با شایستگی های اجتماعی رابطه دارد. همچنین (کوریدو، وارنر و ایبرگ، ۲۰۰۳) نشان دادند که سبک های فرزند پروری مقتدر با سازماندهی، پیشرفت تحصیلی و جهت گیری عقلانی در کودکان رابطه مثبت وجود دارد همچنین تحقیقات نشان داده است که نوجوانانی که والدین خود کامه دارند کمتر متکی به خود هستند و نمی توانند به تنهایی کاری انجام دهند یا از خود عقیده ای داشته باشند شاید به این دلیل که به قدر کافی فرصت نداشته اند که عقاید خود را بیازمایند یا مستقلانه مسئولیت قبول کنند (آلدر، ۱۹۸۰ و لوئیس، ۱۹۸۲) در ضمن

¹ family

² Educational achivement

³ manarazo

⁴ Kassanin & night and sage

⁵ Lamborn and et al

⁶ Pizoo, gleason

⁷ dobbines

⁸ Querido, warner, eyberg

⁹ Alder, loeis

این نوجوانان اعتماد به نفس کمتر و استقلال و خلاقیت کمتری دارند، ذهن کنجکاو ندارند، از لحاظ رشد اخلاقی کمتر رشد یافته اند و در برخورد با مشکلات روزمره عملی، تحصیلی و ذهنی انعطاف پذیری کمتری دارند (گونگرو و پیترسون ۱۹۸۴ و آلدر ۱۹۸۰).^۱ از طرفی دخالت خانواده در تعلیم و تربیت می تواند پیشرفت آموزشی را پیش بینی کند. تحقیقاتی که در زمینه تعلیم و تربیت و در رابطه با تحول صورت پذیرفته است، نشان داده اند که نگرش، شیوه های تعاملی و رفتار والدین و ارتباط آنها با مدرسه با تحول اجتماعی کودک و عملکرد تحصیلی فرزندان رابطه وجود دارد.

(کریستسون و شریدان، ۲۰۰۱ به نقل از معتمدی، ۱۳۸۷).

خانواده به دلیل نقش تربیتی و فرهنگی خود در پرورش انسان های متفکر، آگاه و بالنده نقش بسیار موثری می تواند ایفا کند. اگر ابعاد این نهاد تربیتی به درستی تحلیل شود معلوم می گردد که سلامت و پویایی جامعه به سلامت و پویایی خانواده ارتباط دارد. (ملکی، ۱۳۸۵). از میان عوامل اجتماعی، برجسته ترین تاثیر را والدین و نظام خانواده بر هویت فرد و چگونگی شکل گیری آن ایفا می کنند. چنانکه اکثر صاحب نظران تاثیر پذیری فرد از خانواده را غیر قابل انکار می دانند و خانواده را مهمترین نهاد در شکل گیری هویت فرزندان تلقی می کنند. در همین راستا آدامز (۱۹۸۵) به این نتیجه دست یافت که والدین می توانند رشد مثبت هویت را تسهیل کرده یا به تاخیر اندازند. منظور از مولفه های خانواده، عوامل جمعیت شناختی و فرهنگی والدین از قبیل سن، میزان درآمد، سطح تحصیلات است که در تکوین رشد فردی و بنای شخصیت فرزند و همچنین در موفقیت یا عدم موفقیت آن ها تاثیر دارد.

فرهی نیا در این باره می نویسد: کلیه شرایط اجتماعی، اقتصادی خانواده که نقش مهمی در پیشرفت فرزندان آن خانواده دارد بعنوان عوامل فرهنگی - اجتماعی قلمداد می شود.

منظور از وضعیت اجتماعی، ارزشهایی هستند که شامل روابط بشری و ارتباط های وسیع می شوند که در سطح هر جامعه ای برقرار است (شعاری نژاد، ۱۳۷۳، ص ۶۱۸ به نقل از حسن نژاد، ۱۳۸۰).

اندازه خانواده و ترتیب تولد در رشد اجتماعی و عقلی فرزندان آن خانواده تاثیر بسزایی دارد. امروزه روشن شده است که فرزندان خانواده های بزرگ از نظر رشد و تحول هوشی در وضع نامساعدی بسر می برند. (کلاس ۱۹۷۳، باتلر و گلدشتاین ۱۹۷۲، نیس بت و وانت ویستل ۱۹۶۷ به نقل از مهدی پور، ۱۳۸۶). همچنین تحقیقات نشان داده اند که هنگامی فاصله تولد بین فرزندان افزایش می یابد نقصان هوشبهر کاهش می یابد. (روزنبرگ، سانون، اسمیت ۱۹۶۷).

از ویژگی های مشخص پایگاه اجتماعی، اقتصادی می توان از تعلیم و تربیت و شغل والدین، هوش بهر، رفتار کلامی آن ها در آمد خانواده وضع بهداشتی، تجارب تربیتی و شرایط زندگی و مانند اینها نام برد. از مدت ها قبل معلوم شده است که روند هوش بهر بچه ها با وضع اقتصادی، اجتماعی خانواده هایشان تغییر می کند. بسیاری از محققان دریافته اند که نمرات بچه ها در آزمون های هوشی موجود به طور اساسی به شغل پدر، تعلیم و تربیت والدین و درآمد خانواده مرتبط و وابسته است (ماتارازو، ۱۹۷۲، رابرتز و آنجل ۱۹۷۴، ویلرمن، ۱۹۷۲).^{۱۵} موفقیت های تحصیلی والدین آن ها را در کمک درسی به فرزندان بیشتر قادر می سازد. این موضوع در سال های دبیرستان از اهمیت ویژه ای برخوردار است. با این حال، دشوار است تعیین کنیم والدینی که به فعالیت های تحصیلی فرزندان خود توجه ندارند چگونه علاقه نوجوانان به انجام کارهای مدرسه را در آن ها ایجاد می کنند (استنبرگ، ۱۹۹۶ به نقل از آقامحمدیان، ۱۳۸۴). هنگامی که والدین علاقه خود را نسبت به کارهای مدرسه و انجام تکالیف مدرسه فرزندان نشان می دهند نوجوانان درمی یابند آن چه آن ها انجام می دهند از اهمیت برخوردار است

روان شناسان در بیشتر سال های قرن حاضر، بر روابط کودکان با کسانی که مراقبت از آنان بر عهده دارند تاکید کرده اند و این کنش های متقابل را اساس عمده رشد منطقی و تعاملی قلمداد کرده اند. طی سال های ۱۹۱۰ تا ۱۹۲۰ اوج رفتار گرایی در امریکا، متخصصان تربیت کودکان نوزاد را شیء فرض می کردند که می توان آنرا به صورت نظامندی شکل داده و شرطی کرد. در آن دوره به احساسات و احتیاجات طفل یا والدین یا تغییرات احتمالی در استعداد های ژنتیکی یا ویژگیهای موقتی کودک جندان توجهی نمی شد. "واتسون" به والدین توصیه می کرد که با در آغوش گرفتن و بوسیدن کودک را ارضاء و لوس نکنند، بلکه به روشی معقول با کودکان همچون نوجوانان رفتار کنند و بجای اینکه کودکان را بغل کنند و تکان دهند تا آرام شوند، آنها را به حال خود رها کنند تا هر چه می خواهند گریه کنند و با این عمل رفتار ناپسند آنها را

¹ Gongro, piterson, j and alder ⁰

¹ Kerstnon and sheridan ¹

¹ adams ²

¹ Clasen & batler & goldeshtain ³

¹ Rozenberg & sanon & smit ⁴

¹ Manarazo & raberts. eajel ⁵

¹ watson ⁶

تقویت بنیامین اسپاک ب‌ه والدین توصیه می کرد از شم طبیعی خود پیروی کنند واز برنامه های انعطاف پذیری که هم با نیاز های خود آنان وهم با نیاز های کودک سازگاری داشته باشد، استفاده کنند امروزه با پیشرفت جوامع ورشد منفی آنها وفراهم نشدن امکانات بحث فرزند محوری مطرح است که مقابل خواست ومیل واراده فرزندان رفتار کنند وهر آنچه را که خواست به طور منطقی برای او فراهم کنند.(رضایی، ۱۳۷۲)

اما از اوایل ۱۹۳۰ تا اواسط ۱۹۶۰ نگرش های آسان گیرانه تری بوجود آمد بر اساس این نگرش ها به والدین توصیه می شد به احساسات واستعدادهای کودک توجه بیشتری نشان دهند. این تغییر تا حدودی به دلیل تاثیر روان شناسی فروید وتاکید آن بر نقش محدودیت ها ومحرومیت ها ی سنین پایین در ابعاد باز دارنده های روانی در امیال کودک است که می تواند اساس بسیاری از مشکلات احساسی باشد(هترینگتون ۱۳۷۲).^{۱۸}

منظور از شیوه های فرزند پروری روش هایی است که والدین در تربیت فرزندانیشان به کار می برند (برجلی، ۱۳۶۸). ماینروسینت^{۱۹} (۱۹۹۷: نقل از یوسفی، ۱۳۸۲) شیوه فرزند پروری را مجموعه ای از رفتارها ی به هم پیوسته می داند که تعامل کودک، والد را روی طیف خاصی نشان می دهد وتعامل فراگیر را ایجاد می کند.

شریعتمداری (۱۳۸۱) چنین می نویسد: منظور از جو عاطفی خانواده نحوه ارتباط وطرز برخورد افراد یک خانواده باهم است. نظر افراد خانوا ه نسبت به هم احساسات وعلاقه آن ها را به یکدیگر وچگونگی دخالت یا عدم دخالت آن ها در کارهای هم وهمکاری یا رقابت با یکدیگر نحوه ارتباط ایشان را نشان می دهد.(ص ۱۶۶).

شیوه فرزند پروری عبارت است از روشی که کودک به طور معمول براساس آن در خانه پرورش می یابد و می تواند بر عملکرد کودکان در مدرسه تاثیر گذار باشد.(استنبرگ ۱۹۹۲، نقل از کیلی ۱۹۹۷).

شیوه های فرزند پروری منظومه ای از گرایشات اعمال و جلو ه های غیر کلامی است که ماهیت تعامل کودک و والدین را در تمامی موقعیت های گوناگون مشخص می کند(دارلینگ و استنبرگ ۱۹۹۲، نقل از مهرافروز ۱۳۷۸).

بامریند (۱۹۹۲) گاتمن ودیکلایر (۱۹۹۷) معتقدند که فرزند پروری مطلوب حیاتی است. برخی معتقدند که تنها چیزی که برای اکثر فرزندان لازم است یک محیط متوسط قابل پیش بینی است. عده ای هم عقیده دارند که والدین برای رشد فرزندان هیچگونه اهمیت اساسی ندارند.(ماریس ۱۹۹۸)

استدلال این گروه این است که در زندگی کودک فقط عوامل ژنتیکی و همسالان اهمیت دارند اما باید گفت که هرچند عوامل ژنتیکی و همسالان در رشد تاثیر می گذارند اما والدین تاثیر فراتر از آنچه که نگرش فوق معتقد است دارند. نتایج تحقیقات نشان می دهد که نقش فعالانه والدین در برنامه ریزی، آغاز، تداوم ونظارت بر همسالان با پیامدهای رشدی اجتماعی در شرایط فرهنگی مختلف ارتباط دارد. (مارث و دیگران ۱۹۹۸؛ به نقل از برهمند ۱۳۸۱).

شیوه های فرزند پروری والدین اهداف بسیاری را در بر می گیرد که در مراحل مختلف زندگی بچه ها تغییر می کند. همانگونه که در جدول ۱-۲ نمایان است با تغییر در مراحل رشد روانی (سنی) اهداف شیوه های فرزند پروری والدین نیز در مراحل مختلف تغییر می کند.

جدول ۱-۲ تغییر در مراحل رشد روانی و شیوه های فرزند پروری

اهداف عمده شیوه های فرزند پروری	مراحل رشد روانی اجتماعی اریکسون ^{۲۳}	دوره سنی
پاسخگویی به نیازهای کودک	امنیت خاطر واعتماد در برابر احساس ناامنی وعدم اعتماد ^{۲۴}	نوباوگی از تولدتا ۱۸ ماهگی
کنترل رفتار کودکان	خود مختاری (استقلال) در برابر شرم وشک ^{۲۵}	کودک نوپا ۱۸ ماهگی تا ۳ سالگی
پرورش خود گردانی	ابتکار در مقابل احساس گناه وتقصیر ^{۲۶}	کودکی اولیه ۳ تا ۵ سالگی

1 Benyamin spack 7
 1 Henhrrington.e.m 8
 1 mainrosint 9
 2 Darling,steinberg 0
 2 Gatman,diklayer 1
 2 mareis 2
 2 erickson 3
 2 basic trust versus mistrust 4
 2 autonomy versus shame and doubt 5
 2 intaitive versus guilt 6

اواسط کودکی ۶ تا ۱۱ سالگی	کارایی در مقابل احساس حقارت ^{۲۷}	ترقی دادن پیشرفت (مثلا مدرسه)
نوجوانی ۱۱ تا ۱۳ سالگی	احساس هویت در مقابل آشفتگی ^{۲۸}	تشویق به فردیت یا ادامه پیوندها

ابعاد روابط والد، فرزندی که براساس آن بسیاری از رفتارهای فرزندان شکل می گیرد دارای تنوع زیادی است. مثلا، ۱- شیفر^۹ دو بعد گرمی والدین در مقابل سردی و بعد کنترل در مقابل آزادی را مطرح می کند. (پور درویش، ۱۳۷۷) ۲-

مکوبی و مارتین (۱۹۸۴) نقل از دارلینگ (۱۹۹۹) دو بعد پاسخ دهی والدین (پذیرش و طرد) و بعد توقع و انتظارات والدین (کنترل یا آزاد گذاشتن) را بیان می کند. ۳- ماکسلی (۲۰۰۱) دو بعد محبت و معنویت ۴- ویا فروید دو بعد پذیرش و کنترل (نقل از کرد نوقانی، ۱۳۷۸) را برای شیوه های فرزند پروری مشخص کرده است.

باید گفت که تمام این ابعاد با هم همپوشی دارند ولی بطور کلی تعاملات و روابط والدین و فرزندان در سه بعد از شیوه های فرزند پروری مشخص و تعریف شده اند و بعد از این ابعاد جنبه پاسخ های والدین و توقعات و انتظارات آنان است و سومین بعد از شیوه های فرزند پروری بعد "تعهد" و مشارکت والدین است (برنت، ۱۹۹۷، نقل از مهر افروز، ۱۳۷۸).

نتایج تحقیقات دابن (۱۹۹۸)، شافر (۱۹۸۷) و دوناله (۱۹۹۴) نیز این یافته ها را تایید کردند و نشان دادند که شیوه مقتدرانه اثر بخش ترین روش است. والدین مقتدر یک حس علاقه پایداری به فرزند منتقل می کند که فرزند را برمی انگیزاند که مطابق واقعیت های روانی والدین خود رفتار کنند. که والدین غافل و کناره گیر این طور نیستند و والدین خواسته ها و انتظاراتشان را دقیقاً با توانایی فرزندشان هماهنگ می کنند و به فرزند خود مقداری آزادی می دهند که برای چگونگی بر آوردن انتظارات تصمیم گیری کنند (شافر، ۱۹۹۷: نقل از کرد نوقانی، ۱۳۷۸).

باید گفت که مزایای شیوه فرزند پروری اقتداری در سال های پیش دبستانی و اوایل کودکی بدیهی است و تا نوجوانی و بزرگسالی نیز ادامه دارد (دارلینگ، ۱۹۹۹).

به نظر می رسد که شیوه های فرزند پروری دموکراتیک و قاطعانه والدین اگر با توضیحاتی در مورد شرایط و انتظاراتشان همراه باشد از بسیاری جهات استقلال همراه با احساس مسئولیت را در نوجوانان پرورش می دهد (پارسایی، ۱۳۸۲).

شیوه فرزند پروری اقتداری برای تمام جوامع و خانواده ها البته با در نظر گرفتن ویژگی ها و چارچوب های آن مفید و قابل استفاده است (شافر، ۱۹۹۹). در بین تمام گروه های قومی و نژادی مورد مطالعه در ایالات متحده بین شیوه های فرزند پروری قاطع و اطمینان بخش (مقتدرانه) و پیامد های رشدی مثبت بچه ها رابطه وجود داشته است (نقل از سارمان پور، ۱۳۸۰).

علی رغم اینکه پژوهش های انجام گرفته در این زمینه در سال های اخیر رشد قابل توجهی را نشان می دهد. که دلایل آن را می توان اهمیت روزافزون این موضوع در جوامع، علاقمندی پژوهشگران به بررسی روابط انسانی و تهیه مقیاس های روان سنجی مرتبط بیان داشت اما بیشتر پژوهش ها معطوف به شیوه تربیتی مادران و دوران کودکی بوده است و به دوران نوجوانی کمتر توجه شده است از طرفی خانواده یک متغیر فرهنگی، اجتماعی و محیطی است که اثر تعیین کننده ای در اکثر فرایندهای روانی تربیتی دارد. شناخت این متغیرها و بررسی آن ها نیز مهم و اساسی است لذا شایسته است در این حوزه بررسی و تحقیق بیشتری صورت گیرد.

لذا در این پژوهش با توجه به نتایج تحقیقات دال بر اهمیت، تاثیر و ارتباط مولفه های خانواده و شیوه های فرزند پروری والدین با پیشرفت تحصیلی، پژوهشگر در پی پاسخ دادن به این مساله است که آیا بین شیوه های فرزند پروری و مولفه های خانواده با پیشرفت تحصیلی رابطه وجود دارد یا نه به عبارت دیگر هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین مولفه های خانواده و شیوه های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است.

روش

با توجه به اینکه هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه مولفه های خانواده و شیوه های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی می باشد روش از نوع مطالعات همبستگی و توصیفی می باشد که از شیوه جمع آوری پیمایشی استفاده شده است.

- 2 industry versus inferiority 7
 2 indentity versus rdeconfusion 8
 2 sheifer 9
 3 Maccoby.e.e&martin.p 0
 3 berent 1
 3 donaleh 2
 3 shafer 3

الف) جامعه و نمونه

جامعه آماری، شامل کلیه دانش آموزان پسر پایه اول دبیرستان های شهرستان خواف است که در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ مشغول به تحصیل بوده اند. تعداد کل آنها ۱۳۰۰ نفر است. از جامعه یاد شده با توجه به هدف تحقیق، نمونه ای به حجم ۲۰۰ آزمودنی انتخاب شدند. روش انتخاب نمونه، روش خوشه ای چند مرحله ای است. ابتدا از بین مدارس متوسطه پسرانه شهرستان که ۲۷ آموزشگاه بود ۹ مدرسه انتخاب شدند سپس از هر مدرسه یک کلاس به صورت تصادفی انتخاب و در مجموع ۲۰۰ دانش آموز از ۹ کلاس به پرسشنامه ها به صورت گروهی پاسخ دادند.

ب) ابزارها

ابزارهای جمع آوری داده ها شامل دو پرسشنامه همچنین معدل سالانه دانش آموز بعنوان ملاک پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. ۱- پرسشنامه ۳۰ سوالی شیوه های فرزند پروری (بامریند) که فرم اولیه این پرسشنامه دارای ۳۰ گویه است که توسط دینا بامریند (۱۹۷۳) طراحی و ساخته شد. این پرسشنامه توسط حسین پور (۱۳۸۱)، ترجمه شده است و پس از تحلیل عاملی مشخص شد که پرسشهای شماره ۲۶ و ۱۳، ۱۴، ۲۸ و ۲۶ روی هیچ عاملی بار نمی شوند در نتیجه پرسش های مذکور حذف شدند این پرسشنامه شیوه های فرزند پروری والدین را در سه عامل اندازه گیری می کند. جمله های شماره ۲۸، ۶، ۱، ۱۰، ۱۳، ۱۴، ۱۷، ۱۹، ۲۱، ۲۴ به شیوه ی سهل گیرانه و جمله های شماره های ۲۶، ۲۵، ۱، ۱۶، ۱۲، ۷، ۳، ۲۹ به شیوه ی استبدادی و جمله های ۳۰، ۲۷، ۲۳، ۲۰، ۱۵، ۱۱ به شیوه ی قاطع و اطمینان بخش مربوط می باشد. که در مقابل هر عبارت ۵ ستون (کاملاً موافقم، تا حدودی موافقم، مخالفم، کاملاً مخالفم) به ترتیب از ۴ تا ۱ نمره گذاری شده است که با جمع نمره های سوال های مربوط به هر شیوه و تقسیم آن بر تعداد سوالات نمره مجزا بدست می آید. روایی و پایایی این پرسشنامه تایید شده است بوری (۱۹۹۱) برای بررسی اعتبار و روایی این پرسشنامه از روش ((افتراقی)) استفاده نمود و مشاهده کرد که شیوه استبدادی رابطه منفی با سهل گیری ($r=0/38$) و اقتدار منطقی ($r=0/48$) دارد. و شیوه سهل گیری رابطه معنی داری با شیوه اقتدار منطقی او نداشت ($r=0/7$) (مهرافروز، ۱۳۷۸).

بوری (۱۹۹۱) برای محاسبه پایایی روش ((باز آزمایی)) استفاده کرد و نتایج زیر را بدست آورد. ۰/۸۱ برای شیوه سهل گیرانه، ۰/۸۶ برای شیوه استبدادی، ۰/۷۸ برای شیوه اقتداری. او همچنین ((ثبات درونی)) را با استفاده از فرمول ((آلفای کرونباخ)) محاسبه نمود که ۰/۷۵ برای شیوه سهل گیری ۰/۸۵ برای شیوه استبدادی و ۰/۸۲ برای شیوه اقتدار منطقی بدست آورد (مهرافروز، ۱۳۷۸).

در انستیتو روان پزشکی ایران نیز اسفندیاری (۱۳۷۴) فرم اصلی پرسشنامه را ترجمه و اصلاحات لازم را در آن صورت داد. سپس از تعداد ۱۰ نفر صاحب نظر در زمینه روان شناسی و روان پزشکی (۲ نفر دکترای روان شناسی، یک نفر روان پزشک، ۲ نفر کارشناسی ارشد روان شناسی، ۲ نفر دانشجوی دوره کارشناسی ارشد و ۳ نفر کارشناس روان شناسی) خواسته شد تا میزان اعتبار هر جمله را با زدن علامت مشخص نمایند و در صورت لزوم نظر اصلاحی خود را نیز بیان نموده و جمله پیشنهادی خود را اضافه نمایند نتایج بدست آمده نشان داد که پرسشنامه مذکور دارای روایی (اعتبار) صوری است.

۲- پرسشنامه مشخصات جمعیت شناختی خانواده (مولفه های خانواده)

این پرسشنامه که محقق ساخته است دارای ۶ گویه است که مولفه های جمعیت شناختی خانواده را از قبیل میزان درآمد ماهیانه خانواده، سن پدر، سن مادر، تعداد افراد خانواده، میزان تحصیلات مادر و میزان تحصیلات پدر را اندازه گیری می کند این پرسشنامه قبل از اجرای آزمون در اختیار اساتید قرار گرفت و پس از تغییراتی شکل نهایی آن به صورت محتوایی و صوری مورد تایید قرار گرفت. همچنین در این پژوهش از معدل کل دانش آموزان در پایان سال تحصیلی ۹۳-۱۳۹۲ بعنوان ملاک پیشرفت تحصیلی استفاده شد.

روش های تحلیل داده ها

تحلیل داده ها ی این پژوهش به کمک نرم افزار spss انجام گرفته است. به منظور توصیف داده ها از روش آمار توصیفی (از قبیل میانگین، فراوانی و انحراف معیار)، و به منظور آزمون فرض های پژوهش از ضریب رگرسیون چند متغیره و آزمون تحلیل واریانس و آزمون تعقیبی توکی استفاده شد.

یافته ها

هدف ما در این تحقیق بررسی رابطه بین مولفه های خانواده و شیوه های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی است که شاخص های توصیفی آن نشان می دهد که بیشترین فراوانی مربوط به خانواده های ۵ تا ۸ عضوی با ۴۴/۲۷ درصد و کمترین فراوانی مربوط به خانواده های بالای ۹ نفر با ۲۳/۴۳ درصد است

همچنین بیشترین فراوانی مربوط به درآمد ۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار با ۳۹/۰۶ درصد و کمترین فراوانی مربوط به درآمد بالای ۵۰۰ هزار با ۲۶/۰۴ درصد است. از نظر پراکندگی سنی بیشترین فراوانی برای پدران مربوط به سن ۴۵-۶۰ سال با ۴۱/۶۶ درصد و کمترین فراوانی مربوط به سن بالای ۶۰ سال با ۲۰/۸۴ درصد است. برای مادران بیشترین فراوانی مربوط به سن زیر ۴۵ سال با ۵۲/۰۸ درصد و کمترین فراوانی مربوط به سن بالای ۶۰ سال با ۲۰/۸۴ درصد است. واز نظر تحصیلات

بیشترین فراوانی برای سطح تحصیلات پدران و مادران مربوط به مقطع بی تحصیلات و ابتدایی به ترتیب با ۴۸/۴۳ و ۶۳/۵۴ درصد و کمترین فراوانی مربوط به مقطع تحصیلات دانشگاهی به ترتیب با ۱۸/۲۲ و ۱۲/۵ درصد است.

تحلیل آماری داده ها در رابطه با فرضیه های مورد بررسی به نتایج زیر منتهی شده است:

۱- براساس جدول (۱) و با توجه به مقدار F و سطح معنی داری (P) که کوچکتر از ۰/۰۱ است، می توان این فرضیه صفر را رد کرد که " بین متغیر عملکرد تحصیلی و شیوه فرزند پروری اقتدارگرایانه رابطه خطی وجود ندارد " و ضریب رگرسیون برای شیوه فرزند پروری اقتدارگرایانه در جامعه صفر نیست. $p < 0.01$ و $F = (1, 198) = 25/15$

جدول (۱) نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام عملکرد تحصیلی بر حسب شیوه های فرزند پروری

مدل	منابع تغییر	SS	df	MS	F	r	r^2	Adjusted R square	سطح معنی داری
۱	رگرسیون	۳۷/۵۹	۱	۳۷/۵۹	۲۵/۱۵	۰/۳۳	۰/۱۱۳	۰/۱۰	۰/۰۰۰
	باقیمانده	۲۹۵/۹۰	۱۹۸	۱/۴۹					

متغیر وابسته: عملکرد تحصیلی

متغیر پیش بینی کننده: فرزند پروری اقتدارگرایانه

۲- با مراجعه به جدول (۲) مشاهده می شود که جهت پیش بینی عملکرد تحصیلی از روی مولفه های خانواده (تعداد اعضای خانواده، سن پدر، سن مادر، تحصیلات پدر، تحصیلات مادر و میزان درآمد) از تحلیل رگرسیون با کدگذاری اثر استفاده. مدل نشان می دهد که دو متغیر میزان درآمد و تحصیلات پدر وارد معادله رگرسیون شده است.

جدول (۲) خلاصه نتایج تحلیل رگرسیون و نتایج تحلیل واریانس عملکرد تحصیلی بر حسب مولفه های خانواده

مدل	منابع تغییر	SS	df	MS	F	r	r^2	Adjusted R square	سطح معنی داری
۱	رگرسیون	۷۸/۳۱	۱	۷۸/۳۱	۱۶/۱۹	۰/۲۸	۰/۰۷	۰/۰۷	۰/۰۰۰
	باقیمانده	۹۱۸/۴۷	۱۹۰	۴/۸۳					
	رگرسیون	۱۱۹/۵۵	۲	۵۹/۷۷	۱۲/۸۷	۰/۳۴	۰/۱۲	۰/۱۱	۰/۰۰۰
	باقیمانده	۸۷۷/۴۹	۱۸۹	۴/۶۴					

متغیر وابسته: عملکرد تحصیلی

متغیر های پیش بینی کننده: میزان درآمد خانواده و تحصیلات پدر

مدل ۱ مشخص می کند که تقریباً ۷ درصد از واریانس مشاهده شده در عملکرد تحصیلی از طریق درآمد خانواده توجیه می شود (۰/۰۷).

(R Square =

افزافه شدن متغیر دوم باعث اضافه شدن ۵ درصد به واریانس قبلی می شود، بدین ترتیب دو مدل روی هم ۱۲ درصد از واریانس

عملکرد تحصیلی را توجیه می کنند (R Square = ۰/۱۲).

با توجه به مقدار F و سطح معنی داری (P) که کوچکتر از $0/01$ است، می توان این فرضیه صفر را رد کرد که " بین متغیر عملکرد تحصیلی با مولفه های خانواده رابطه خطی وجود ندارد " و ضرایب رگرسیون برای میزان درآمد و تحصیلات پدر در جامعه صفر نیست.

$$[F] = (1 \text{ و } 190) = 16/19 \text{ و } p < 0/01$$

$$[F] = (2 \text{ و } 189) = 12/87 \text{ و } p < 0/01$$

۳-نتایج جدول (۳) نشان می دهد که طبق محاسبات انجام و آنگونه که در جدول مشخص است هیچ کدام از موارد دارای مقادیر مفقود در یک یا چند متغیر پیش بینی کننده نیست. خلاصه متغیرهای وارد شده و خارج شده، مقادیر لامدای ویلکز و سطوح احتمال همراه آن را نشان می دهد. با توجه به سطح معنی داری ($p < 0/01$) جدول نشان می دهد که متغیرهای تحصیلات مادر و سن پدر به عنوان متغیرهای پیش بینی کننده وارد معادله شده اند. ستون F to Remove معنی داری کاهش ایجاد شده در قدرت تشخیص را بعد از خارج شدن متغیرهای مربوطه آزمون می کند، اما از آنجا که نسبتهای F سایر متغیرها کمتر از مقدار معیار پیش فرض یعنی $2/71$ است، در نهایت از معادله خارج شده اند. بدین ترتیب بین مولفه های خانواده و عملکرد تحصیلی دانش آموزان رابطه ای وجود ندارد.

جدول (۳) متغیرهای وارد شده در آنالیز

لامدای ویلکز			وارد شده	مرحله
سطح معنی داری	df2	df1		
0/000	2	1	9/00	تحصیلات مادر
0/000	2	2	6/83	سن پدر

*حداقل معیار پیش فرض برای ورود $3/84$

*حداکثر معیار پیش فرض برای خروج $2/71$

بررسی تفاوت پیشرفت تحصیلی با توجه به متغیرهای مولفه خانواده

۱) تفاوت بین پیشرفت تحصیلی از لحاظ تعداد اعضای خانواده

با توجه به جدول (۴) که آماره های توصیفی (تعداد، میانگین و انحراف استاندارد عملکرد تحصیلی فرزندان) بر حسب تعداد افراد خانواده را نشان می دهد مقدار fob با درجات آزادی ۲ (بین گروهی) و 189 (درون گروهی) برابر است با

$$fob(2 \text{ و } 189) = 1/68 \text{ و } p > 0/05$$

و مقدار fcr (جدول f) برای آزمون دو سویه، با درجات آزادی ۲ و 189 و در سطح آلفای $0/05$ برابر است با

$$fcr(2 \text{ و } 189) = 3/04 \text{ و } p < 0/01$$

با توجه به نتایج جدول ($fob < fcr$) بین عملکرد تحصیلی فرزندان از لحاظ تعداد اعضای خانواده تفاوت وجود ندارد

جدول (۴) آماره های توصیفی (تعداد، میانگین و انحراف استاندارد عملکرد تحصیلی فرزندان) بر حسب تعداد افراد

گروه ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	F	df	سطح معنی داری
زیر ۴ نفر	۶۲	۱۴/۷۳	۱/۹۶	۱/۶۸	۲	0/18
۵ تا ۸ نفر	۸۵	۱۴/۸۷	۲/۳۷		۱۸۹	
بالای ۹ نفر	۴۵	۱۴/۱۹	۲/۳۴			

۲) تفاوت بین پیشرفت تحصیلی فرزندان از لحاظ میزان درآمد خانواده

در جدول (۵) آماره های توصیفی شامل تعداد، میانگین و انحراف استاندارد، نتایج آزمون F ، درجات آزادی و سطح معنی داری آن را برای عملکرد تحصیلی آزمودنی ها با توجه به میزان درآمد خانواده نشان می دهد مقدار fob برابر است با $10/38$ و مقدار fcr (جدول f) برابر است با $4/69$ با توجه به اینکه ($fob > fcr$) پس بین پیشرفت تحصیلی فرزندان از لحاظ میزان درآمد خانواده تفاوت وجود دارد.

جدول (۵) : آماره های توصیفی (تعداد ، میانگین و انحراف استاندارد عملکرد تحصیلی فرزندان بر حسب درآمد خانواده

گروه ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	F	df	سطح معنی داری
زیر ۲۰۰ هزار	۶۷	۱۳/۶۴	۱/۷۳	۱۰/۳۸	۲	۰/۰۰۰
۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار	۷۵	۱۵/۱۰	۲/۳۹			
بالای ۵۰۰ هزار	۵۰	۱۵/۲۱	۲/۳۶			

همچنین برای اینکه تعیین کنیم بین کدام گروهها تفاوت معنی دار وجود دارد ، از آزمون های پس مقایسه ای (آزمون توکی) استفاده شد . نتایج جدول (۶) نشان می دهد که بین پیشرفت تحصیلی فرزندان خانواده های با درآمد زیر ۲۰۰ هزار با فرزندان خانواده های دو گروه دیگر در سطح آلفای ۰/۰۱ تفاوت معنی دار وجود دارد.

جدول (۶) نتایج آزمون توکی برای تعیین تفاوت عملکرد تحصیلی فرزندان با توجه به میزان درآمد خانواده

گروه ها	میانگین تفاوتها	خطای استاندارد	سطح معنی داری
زیر ۲۰۰ هزار	* ۱/۴۵ -	۰/۳۶	۰/۰۰۰
	* ۱/۵۶ -	۰/۴۰	۰/۰۰۰
۲۰۰ تا ۵۰۰ هزار	* ۱/۴۵	۰/۳۶	۰/۰۰۰
	-۰/۱۱	۰/۳۹	۰/۹۵
بالای ۵۰۰ هزار	* ۱/۵۶	۰/۴۰	۰/۰۰۰
	۰/۱۱	۰/۳۹	۰/۹۵

تفاوت بین پیشرفت تحصیلی فرزندان از لحاظ میزان تحصیلات پدر (۳) باتوجه به جدول (۷) مقدار fob برابر است با ۷/۱۱ و مقدار fcr (f جدول) برابر است با ۴/۶۹ و با توجه به اینکه (fob > fcr) بنابراین بین عملکرد تحصیلی فرزندان از لحاظ میزان تحصیلات پدران تفاوت وجود دارد.

جدول (۷) : آماره های توصیفی (تعداد ، میانگین و انحراف استاندارد عملکرد تحصیلی فرزندان بر حسب تحصیلات پدران

گروه ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	F	df	سطح معنی داری
بی تحصیلات و ابتدایی	۹۳	۱۴/۰۰	۱/۹۷	۷/۱۱	۲	۰/۰۰۱
راهنمایی و متوسطه	۶۴	۱۵/۱۶	۲/۲۱			
تحصیلات دانشگاهی	۳۵	۱۵/۲۸	۲/۷۵			

همچنین نتایج جدول (۸) نشان می دهد که بین عملکرد تحصیلی فرزندان پدران بی تحصیلات و دارای تحصیلات ابتدایی با فرزندان پدران دارای تحصیلات راهنمایی و دبیرستان در سطح آلفای ۰/۰۱ و با فرزندان پدران دارای تحصیلات دانشگاهی در سطح آلفای ۰/۰۵ تفاوت معنی دار وجود دارد. به علاوه جدول نشان می دهد بین عملکرد تحصیلی فرزندان پدران دارای تحصیلات راهنمایی و دبیرستان با فرزندان پدران دارای تحصیلات دانشگاهی تفاوتی وجود ندارد .

جدول (۸) نتایج آزمون توکی برای تعیین تفاوت عملکرد تحصیلی فرزندان با توجه به تحصیلات پدران

گروه ها	میانگین تفاوتها	خطای استاندارد	سطح معنی داری
بی تحصیلات و ابتدایی	* ۱/۱۶ -	۰/۳۵	۰/۰۰۴
	* ۱/۲۷ -	۰/۴۳	۰/۰۱۱
راهنمایی و دبیرستان	* ۱/۱۶ -	۰/۳۵	۰/۰۰۴
	-۰/۱۱	۰/۴۶	۰/۹۶
تحصیلات دانشگاهی	* ۱/۲۷ -	۰/۴۳	۰/۰۱۱
	۰/۱۱	۰/۴۶	۰/۹۶

۴) تفاوت بین پیشرفت تحصیلی فرزندان از لحاظ میزان تحصیلات مادر همانگونه که جدول (۹) نشان می دهد مقدار fob با درجات آزادی ۲ (بین گروهی) و ۱۸۹ (درون گروهی) و در سطح آلفای ۰/۰۱ برابر است با $p < 0/01$ و $fob(2, 189) = 4/69$

و مقدار fcr (جدول f) برای آزمون دو سویه، با درجات آزادی ۲ و ۱۸۹ و در سطح آلفای ۰/۰۱ برابر است با $p < 0/01$ و $fcr(2, 189) = 4/69$

در نتیجه ($fob > fcr$) می توان گفت بین عملکرد تحصیلی فرزندان از لحاظ میزان تحصیلات مادر تفاوت وجود دارد

جدول (۹): آماره های توصیفی (تعداد، میانگین و انحراف استاندارد عملکرد تحصیلی فرزندان بر حسب تحصیلات مادران)

گروه ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	F	df	سطح معنی داری
بی تحصیلات و ابتدایی	۱۲۲	۱۴/۲۶	۲۱/۲۱	۴/۶۹	۱۸۹	۰/۰۱
راهنمایی و متوسطه	۴۶	۱۵/۰۵	۲/۲۶			
تحصیلات دانشگاهی	۲۴	۱۵/۶۱	۲/۳۳			

نتایج آزمون های پس مقایسه ای (آزمون توکی) جدول (۱۰) نشان می دهد که بین عملکرد تحصیلی فرزندان مادران دارای تحصیلات دانشگاهی با فرزندان مادران بی تحصیلات و ابتدایی در سطح آلفای ۰/۰۵ تفاوت معنی دار وجود دارد. در سایر گروه ها بین عملکرد تحصیلی تفاوتی مشاهده نشد.

جدول (۱۰) نتایج آزمون توکی برای تعیین تفاوت عملکرد تحصیلی فرزندان با توجه به تحصیلات مادر

گروه ها	میانگین تفاوتها	خطای استاندارد	سطح معنی داری
بی تحصیلات و ابتدایی	راهنمایی و دبیرستان	۰/۷۸	۰/۱۱
	تحصیلات دانشگاهی	* -۱/۳۴	۰/۰۲
راهنمایی و دبیرستان	بی تحصیلات و ابتدایی	۰/۷۸	۰/۱۱
	تحصیلات دانشگاهی	-۰/۵۶	۰/۵۸
تحصیلات دانشگاهی	بی تحصیلات و ابتدایی	* -۱/۳۴	۰/۰۲
	راهنمایی و دبیرستان	۰/۵۶	۰/۵۸

۵) تفاوت پیشرفت تحصیلی فرزندان از لحاظ سن پدر با توجه به جدول (۱۱) که مقدار fob برابر است با ۱/۸۵ و مقدار fcr (جدول f) برابر است با ۳/۰۴ در نتیجه می توان گفت: بین عملکرد تحصیلی فرزندان از لحاظ سن پدر تفاوت وجود ندارد

جدول (۱۱): آماره های توصیفی (تعداد، میانگین و انحراف استاندارد عملکرد تحصیلی فرزندان بر حسب سن پدر)

گروه ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	F	df	سطح معنی داری
زیر ۴۵ سال	۷۲	۱۵/۰۳	۲/۱۳	۱/۸۵	۱۸۹	۰/۱۶
۴۶ تا ۶۰ سال	۸۰	۱۴/۳۷	۲/۳۱			
بالای ۶۱ سال	۴۰	۱۴/۳۸	۲/۴۲			

۶) تفاوت بین پیشرفت تحصیلی فرزندان از لحاظ سن مادر در جدول (۱۲) آماره های توصیفی شامل تعداد، میانگین و انحراف استاندارد، نتایج آزمون F، درجات آزادی و سطح معنی داری آن را برای عملکرد تحصیلی آزمودنی ها با توجه به سن مادر ارائه شده است.

جدول (۱۲): آماره های توصیفی (تعداد، میانگین و انحراف استاندارد عملکرد تحصیلی فرزندان بر حسب سن مادر

گروه ها	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	F	df	سطح معنی داری
زیر ۴۵ سال	۱۰۰	۱۴/۸۸	۲/۲۸	۱/۳۳	۲	۰/۲۶
۴۶ تا ۶۰ سال	۵۲	۱۴/۳۰	۲/۴۲		۱۸۹	
بالای ۶۱ سال	۴۰	۱۴/۳۹	۲/۰۵			

همانگونه که جدول نشان می دهد مقدار f_{ob} با درجات آزادی ۲ (بین گروهی) و ۱۸۹ (درون گروهی) برابر است با

$$f_{ob}(2 \text{ و } 189) = 1/33 \text{ و } p > 0/05$$

مقدار f_{cr} (جدول f) برای آزمون دو سویه، با درجات آزادی ۲ و ۱۸۹ و در سطح آلفای ۰/۰۵ برابر است با ۳/۰۴

$$f_{cr}(2 \text{ و } 189) = 3/04 \text{ و } p < 0/01$$

با توجه به نتایج جدول ($f_{ob} < f_{cr}$) بین عملکرد تحصیلی فرزندان از لحاظ سن مادر تفاوت وجود ندارد.

بحث و نتیجه گیری

هدف از اجرای این پژوهش، بررسی رابطه بن مولفه های خانواده و شیوه های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بود. نتایج نشان داد که بین شیوه فرزند پروری مقتدرانه و پیشرفت تحصیلی رابطه معنی دار وجود دارد (فرضیه اول) همچنین محاسبات نشان داد بین مولفه های خانواده و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنی دار وجود دارد اما بین مولفه های خانواده و شیوه های فرزند پروری رابطه ای مشاهده نشد

همانگونه که گفته شد در بررسی فرضیه اول رابطه معنی داری بین شیوه فرزند پروری و پیشرفت تحصیلی مشاهده شد. این یافته با نتایج بامریند (۱۹۹۱) که به این مساله اشاره می کند که کودکان والدین قاطع و اطمینان بخش هم در مهارت های شناختی و هم در مهارت های اجتماعی در سطح نسبتا بالایی قرار می گیرند و در نوجوانی مطمئن، روبه ترقی و از نظر اجتماعی با کفایت بودند و همچنین نتایج تحقیقات کوریدو، وارنرو، ایبرگ (۲۰۰۳) اکوئیلینو و سایل (۲۰۰۱) و گالامبوس و همکاران (۲۰۰۳) معتمدی (۱۳۸۷) که نشان دادند سبک های فرزند پروری مقتدر با سازماندهی، پیشرفت تحصیلی و جهت گیری عقلانی رابطه مثبت دارد همخوانی دارد.

همچنین با تحقیقات دورنبوش و همکاران (۱۹۸۷) که پی بردند شیوه های والدینی "سلطه گرانه" و "آزادمنشانه" با پایه های بالاتر رابطه منفی داشته در حالی که شیوه والدینی "مقتدرانه" با پایه های بالاتر رابطه مثبت داشته همخوانی دارد. تبیینی که برای این پاسخ می توان ارائه نمود این است که در طول چند دهه پژوهش، نشان داده شده که اقتدار والدین با گستره ای از شناخت و نتایج اجتماعی عاطفی مثبت، مرتبط بوده به عنوان مثال شیوه والدینی مقتدرانه با "پیشرفت تحصیلی بهتر" (شوارتز و وس، ۱۹۹۶، وینتروپافی، ۲۰۰۰، با "انطباق بهتر" (یعنی نگرانی روان شناختی کمتر، مشکلات رفتاری کمتر، ارتباط بهتر با همسالان (فلوگنی واکلس، ۱۹۹۳، سلیکر، ۱۹۹۸) سطح بالاتر شایستگی، عزت نفس بالاتر، استقلال و اعتماد به نفس بیشتر (بامریند، ۱۹۸۳) مرتبط بوده است همچنین در مورد نبود رابطه بین مولفه های خانواده و شیوه های فرزند پروری باید گفت سبک های والدینی در خانواده های مختلف متفاوت است و مشاهده شده است که در بسیاری از خانواده هایی که از نظر اقتصادی و فرهنگی در سطح پایینی هستند شیوه های تربیتی مناسبی را در مورد فرزندان خود اعمال نمودند و بالعکس. اینک که چه شیوه تربیتی مناسب است در فرهنگ ها ی مختلف و دوره های مختلف متفاوت بوده است.

این یافته با نتایج پژوهش معتمدی (۱۳۸۷) که نشان داد بین برخی عوامل بوم شناختی از قبیل سن والدین، تحصیلات پدر و شیوه های والدینی رابطه ای وجود ندارد همخوان است. همچنین با تحقیقات جرج (۲۰۰۴) که اشاره نمود بین شیوه والدینی و جنس والدین و همین طور جنس کودکان رابطه ای مشاهده نشد همخوان است.

در رابطه با بررسی تفاوت بین مولفه های خانواده با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان که نتایج بدست آمده تفاوت بین میزان درآمد خانواده، سواد پدر و سواد مادر با پیشرفت تحصیلی را تایید و تفاوت بین سن پدر و مادر و اندازه خانواده با پیشرفت تحصیلی را تایید نمی کند نتایج به نوعی با تحقیقات کالمن و همکارانش (۱۹۹۶) (بولس، ویلی و فیکرو، کارویت)، که نقش وضعیت اقتصادی - اجتماعی خانواده به عنوان عامل مسلط را در پیشرفت تحصیلی فرزندان مورد تاکید قرار داده اند، فخر زارعی (۱۳۸۰) که به این نتیجه رسید هر چه سطح تحصیلات بالاتر باشد انگیزش پیشرفت افزایش می یابد و همچنین با نتایج پژوهش معتمدی (۱۳۷۵) که عنوان کرده است سن والدین تاثیری بر پیشرفت تحصیلی فرزندان ندارد همخوان است. تبیینی که می توان در مورد این یافته ها ارائه داد این است که با توجه به اینکه این پژوهش در مناطق روستایی و دورافتاده صورت گرفته که تعداد اعضای خانواده ها با توجه به بافت فرهنگی و مذهبی منطقه بالا و در صد زیادی (۳۶٪) از افراد نمونه متعلق به خانواده های ۷ تا ۸ نفری هستند نتیجه قابل دفاع و توجیه کننده می باشد

با توجه به نتایج بدست آمده از این پژوهش آموزش و آگاهی اولیاء در این زمینه ضروری است به اولیاء پادشیه های درست برخورد با فرزندان آموزش داده شود بر نقش آگاهی و سواد در تربیت فرزندان تاکید شود والدین باید انتظارات و توقعات معقول و منطقی و در حد توان فرزندان از آن ها داشته باشند که این امر باعث بوجود آمدن عزت نفس و خود پنداره بالادران ها می شود.

پیشنهاد می شود تحقیقات آینده نقش متغیرها در دوره ها و جنس مختلف بررسی شود به منظور حصول نتایج دقیق تر از آزمون های استاندارد برای میزان پیشرفت تحصیلی استفاده شود همچنین شیوه های فرزند پروری در امور شغلی مسائل خانوادگی و سلامت روان از حوزه های مهم و کاربردی است که باید در پژوهش های آتی مورد توجه قرار گیرد.

منابع و مراجع

- [۱] ابراهیم زاده پارسایی، ملیحه (۱۳۸۷) "مقایسه سبک های فرزند پروری والدین مذهبی و غیر مذهبی" پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی
- [۲] ابراهیمی قوام، صغری (۱۳۷۴) "بررسی شیوه های برقراری ارتباط سازنده والدین با فرزندان"، مجله تربیت، سال یازدهم، شماره ۳.
- [۳] آقا محمدیان، حمیدرضا و مهران حسینی، (۱۳۸۴)، "روان شناسی بلوغ و نوجوانی"، مشهد، انتشارات دانشگاه فردوسی
- [۴] جوهری، حسن (۱۳۸۷)، "رابطه شیوه های فرزند پروری و سبک های دلبستگی با هوش هیجانی دانش آموزان پسر پایه اول متوسطه شهر قاین"، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد بیرجند
- [۵] خوبی نژاد، غلامرضا - رجایی، علیرضا - محب راد، تکتیم، (۱۳۸۶) "رابطه سبک های فرزند پروری ادراک شده با احساس تنهایی نوجوانان دختر"، نشریه دانش و پژوهش در روان شناسی، دانشگاه آزاد واحد خوارسگان (اصفهان)، شماره ۳۴، صص ۹۲-۷۵
- [۶] معتمدی، عبدالله (۱۳۸۷)، "بررسی شیوه های والدینی و تاثیر آن بر تحصیلات فرزندان، مجله علمی - پژوهشی روان شناسی، شماره ۴، صص ۳۸۳-۳۷۰
- [۷] ویسی ناصر (۱۳۸۳). بررسی رابطه شیوه های فرزند پروری با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پسر پایه دوم و سوم مقطع ابتدایی شهر کامیاران در سال تحصیلی ۸۳-۸۲. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.
- [8] Amy, Garriso, B.; blok, E.B.; Gramer, K.; 7tiller, v(2002)the influence of Parenting styles on children, cognitive development. louisiana state university agcenter.
- [9] Aquilino, W.S. & Supple, A.J. (2001). Long-term effects parentthng practices during adolescence on well-being :outcomes in young adulthood. Journal of family issues, 22(3), 289-308.
- [10] Bandura, A. (1993) . Perceived self- efficacy in cognitive development and functioning. Educational Psychologist, 28, 117-148
- [11] Baldwin, A.L. (1949) the effect of home environment on nursery school behavior child development. 20, 49-62.
- [12] Barling, j (1996) "fathers work experiences effect childrens j. stewart, w behaviors via job-related affect and parenting behaviors. Journal of organizational behavior 17" (221-232)
- [13] Baumrind, d. (1978). parental disciplinary patterns and social competence in children. youth and society, 9(3). 239-276
- [14] Baumrind, d. (1971). current patterns of parental authority. Developmental psychology monographs, 4, (1), 1-103
- [15] Baumrind, d. (1983). rejoinder to lewiss reinterpretation of parental firm control effects :are authoritative families really harmonious? psychological bulletin, 94, 132-142.
- [16] Baumrind, d. (1989). rearing competent children. In w. damon (ed.) child development today and tomorrow (pp. 349-378). san Francisco: jossey bass.
- [17] Bandura . A. (1997) . self- efficacy. The exercise of control. New York : freeman.
- [18] Berzonsky, M. and Smits, i. (2008). Perceived Parenting dimensions and identity styles : Exploring the socialization of adolescent processing of identity - relevant. Journal of adolescence, 31(2), 151-164
- [19] Bornstein M. (2002) Hand book on parenting : children and parenting (vol1). Mahwah NJ: Lawrence Erlbaum publishers.
- [20] Brown, A.M. & Whiteside, S.P. (2008). Relations among perceived parental rearing behaviors, attachment style, and worry in anxious children. Journal of Anxiety Disorder, 22(2), 263-272.
- [21] Dekovic, m. and meeus, w. (2002). Peer relation in adolescence: Effects of parenting and adolescents self-concept. Journal of adolescence, 20, 163, 176.
- [22] Dekovic, m. and Janssens . j. (1992) Parents rearing style and child, s sociometric status. Development al Psychology, 28, 925-932.
- [23] Dobbins, B. (2006). Lation adolescents perceptions of parenting style , locus of control and school climate .Dissertation. www. Proquest .com.

- [24] Dixon, S.V, Graber, J.A. & Brooks-Gunn, I. (2008). The roles of respect for parental authority and parenting practices in parent-child conflict in African American, Latino, and European American families. *Journal of Psychology*, 22(1), 1-10
- [25] Kathleen Cotton and Laren Reed Wiklund (2001). Parent involvement in Education 19- Kelly Kozik & Lean Million (1997) parenting style and academic outcome. *Refcfall 1997 Newsletter* vol .6 No.
- [26] Kissinger, D., Daniels, H. and Lee, S. (2006). Parental influences on adolescent adjustment: parenting styles versus parenting practices. *Counseling and therapy for couples and family*, 14(3), 253-259.
- [27] Moon, Sidney M. (1995) "The effects of an enrichment program on the families of participants: a multiple-case study." *Gifted Child Quarterly*, 39(1), 198-208
- [28] Meesters, C. & Muris, P. (2004). Perceived parental rearing, behaviours and coping in young adolescents. *Personality and Individual Differences*, 37(3), 513-522.
- [29] Parker, Wayne D. (1997) Parents' achievement goal and child's academic achievement in their academically talented children. *Journal of Youth Adolescence*, 26(6), 651-667
- [30] Perry, J.A. et al. (2008). A study of the relationship between parental bonding, self-concept and eating disturbances in Norwegian and American college populations. *Eating Behaviors*, 9(1), 13-24.
- [31] Robinson, Nancy M.; Weinberg, Richard A.; Redden, David; Ramey, Sharon L. et al. (1998) "Family factors associated with high academic competence among former Head Start children." *Gifted Child Quarterly*, 42 (1), 118-156
- [32] Rebecca, Edwards. (2001). Parenting style. *Center for Parent Education*. University of North Texas
- [33] Rudy, D. & Grusec, J.E. (2006). Authoritarian parenting in individualist and collectivist groups: Associations with maternal emotion and cognition and children's self-esteem. *Journal of Family Psychology*, 20(1), 68-78.